

این روزها نحوه برگزاری مراسم‌های ترحیم رنگ و بوی دیگری به خود گرفته است که تغییر سبک زندگی و گسترش چشم و هم‌چشمی و تجمل‌گرایی را نشان می‌دهد که در تمام ششون زندگی‌مان حضور فعال داشته و حتی از مراسم بدرقه ارواح به سوی ابدیت هم سر درآورده و ورود تجمل‌گرایی به وادی مراسم سوگواری و ظهور موسسات خصوصی متنوع که از این راه کسب درآمد می‌کنند و تمام‌مقد مدعی هستند، در شادی و عزا، همه جور شریک شما هستند و با یک تلفن می‌توانند همه کارها را تمام و کمال انجام دهند، طی سال‌های اخیر به صورت یک خرده‌فرهنگ مخرب وارد فرهنگ و باورهای جامعه ما شده و جای خود را در «پسامرگ» باز کرده است، لذا برگزاری این مراسم از مسیر اصلی خوب خارج شده و مسائل حاشیه‌ای از این مورد وارد متن شده‌اند؛ به طوری که از کنار هر محله و کوچه‌ای که گذر می‌کنی، می‌بینی در و دیوار خانه‌ای را سیاهپوش کرده‌اند و افراد برای خوندمایی و ابزاز ارادت آنقدر پلاکارד و بنر ترحیم چسبانده‌اند که دیوار خانه پر شده از سیاهی و تسلیت که در جملاتی مشابه و عباراتی تکراری غم از دست دادن عزیز از دست رفته را تسلیت گفته‌اند،جدا از آن حالا دیگر مد شده دسته‌های گل آنجانی و گران قیمتی چون زروړه، ارکیده سفید، لیلیوم و آنتوریوم نیز اطراف خانه و در ورودی مسجد می‌چینند تا آنجا که جایی برای دسته‌های بزرگ گل باقی نمانده و طبق‌های گل به همراه نوارهای تسلیت، باغی از گل‌ها را به عزاداران تقدیم می‌کند و در نهایت هم در سطل زباله جا می‌گیرد، انگار هر خانواده و طایفه‌ای بیشترین و زیربنایی گل و اطلاعاتیه تسلیت را نصب کرده باشد، از ارزش و قرب اجتماعی بیشتری برخوردار است و در این موضوع تلاش دوستان، آشنایان و ول‌بستگان در تهیه و نصب اینگونه اقلام، رقابتی وصف‌نشدنی است. در حالی که اگر در مراسم حضور داریم که نوشته و گل لازم نیست و اگر نتوانستیم حضور داشته باشیم که با یک تلفن ساده بهتر می‌توان بازماندگان را تسلا داد، در طرف دیگر، صاحبان عزا هم که در ورودی مسجد به شرکت‌کنندگان خوشامد می‌گویند، در سکوتی غم‌انگیز در اندیشه برگزاری مراسم محترمانه و در خور شأن متوفای می‌گردند. آری! قبر و سنگ قبر، مراسم مختلف و اطعام‌ها و مکان‌های برگزاری و تاج گل‌ها، هر روز گران‌تر و شکل‌تر می‌شود، مردم به خاطر فقرخروشی و اینکه خانواده متوفای ناراحت نشوند، هزینه زیادی می‌کنند تا جایی که کسی چندان به فکر میت نیست و همه در پس این مراسم، دنبال خریدن آبرو و اعتبار می‌گردند؛ غافل از اینکه ضد ارزش‌هایمان را تبدیل به ارزش شده‌اند، حال آنکه افرادی که دست‌شان از دنیا کوتاه می‌شود، هیچ نیازی به این کارها ندارند و ما این ریخت و پاش‌ها را برای دل خودمان و نشان دادن مال و منال، آن هم با هزار خون مجگر خوردن انجام می‌دهیم، اسراف، تبذیر، ریخت و پاش بی‌مورد، خرج کردن‌های بی‌برنامه، چشم و هم‌چشمی‌ها، تجمل‌گرایی و بالاخره بی‌توجهی به فاعت، اگر نگویم یک بیماری روحی- روانی است، به طور قطع یک بیماری اجتماعی است که می‌تواند به یک معضل برای جامعه تبدیل شود، بویژه زمانی که به عنوان یک فرهنگ معقول و یک هنجار اجتماعی، مورد پذیرش قرار بگیرد. متأسفانه امروز بسیاری از اینگونه مراسم‌ها به ریا، خوندنمایی، تظاهر و تجمل‌گرایی کشیده شده است. گاهی اوقات خانواده‌ها چند ده میلیون تومان پول خرج می‌کنند یا چند صد میلیون تومان پول می‌دهند تا میت‌شان در امامزاده‌ها به خاک سپرده شود و بیشتر با انگیزه‌های مختلف- که عمدتاً روانی است- می‌خواهند خودی نشان دهند و در افکار عمومی و نزد مردم شهرتی کسب کنند، شخصیت مرده و اطرافیان را بالا ببرند یا با خوندنمایی و تفاخر به ثروت و هنر و مقام و منصب چند روزه دنیا نصی را رفیع یا عقده‌ای را خالی کنند و از طرق مختلف از جمله ولخرجی و اسراف‌کاری، خود را در معرض نمایش



قرار دهند. در حالی که از آن طرف افراد زیادی را می‌بینی که در همسایگی همین مرحومان قرار دارند که حتی به نان شب‌شان نیز محتاجند و این خرج‌های بیهوده می‌تواند دستگیزی افراد نیازمند شده و در جاهای بهتری مورد استفاده قرار گیرد، در این سو با پذیرایی آنجانی انواع و اقسام شیرینی‌جات در شکل‌ها و طعم‌های متفاوت، همراه با فیلمبرداری و عکسبرداری، میزهای تزیین شده در سالن پذیرایی با انواع غذاهای ایرانی و خارجی از جمله شیرین‌پلو با مرغ، پلوی مکزیکی با میگو، باقالی پلو با گوشت بره، کباب لقمه، فیله کباب، خورش‌های مخصوص فصل با انتخابی با توجه به سلیقه میهمانان، رولت گوشت، بیف استروگافه، لازانیا، بوقلمون یا بره درسته برای سرو آزاد و ... برای دعوت در مراسم فوت، همانند مراسم عروسی، کارت دعوت چاپ می‌شود و به دست تمام آشنایان می‌رسد و میزبان با دعوت از مدعوین برای صرف غذا، آغاز مراسم را اعلام می‌کند و در نهایت مراسم عزاداری‌ای برای مرحوم‌شان می‌گیرند از مراسم عروسی، مجل‌تر و باشکوه‌تر.

پوشش بازماندگان در روز تشییع جنازه و تدفین هم به نوبت خود، عجیب و جالب توجه است به گونه‌ای که خانها با آرایش و زیورآلات بسیار و با انداختن شال‌های سیاه تور بر روی سرشان و دستکش مشکی بر دستان‌شان و مردان‌شان نیز با گذاشتن عینک آفتابی دودی و کت و شلوار مشکی با مارک‌های آنجانی خود را چنان می‌آرایند که گویا به جشنی بزرگ پا می‌گذارند، حتی در شهرهای بزرگ، آرایشگاه‌ها نیز به افرادی که قصد شرکت در مراسم عزاداری را دارند، خدمات ویژه‌ای ارائه می‌کنند به طوری که

دولت نباید همه تخم‌مرغ‌ها را در سبد برجام می‌گذاشت

مرستمیان: امروز بعد از انتظار ۵ ساله، در کنار روحیه غریب‌گرایی و چشم‌پوشی از توان داخلی و اقتصاد مقاومتی، در نیم‌دایره بی‌جان برجام، شعاع تعهدات بزرگ‌تر از قطر ایران در مقابل غرب دنبال می‌شود. در حالی که دولت نباید همه تخم‌مرغ‌ها را در سبد برجام می‌گذاشت.

مذاکره در عالم سیاست به نوعی گویای اعتراف ضمنی طرفین به قدرت بالای یک‌دیگر است که هر یک در مذاکره برای افزایش توان و کسب منفعت بیشتر یا کاهش قدرت طرف مقابل و دفع ضرر محتمل در حوزه قدرت تلاش می‌کنند. از این رو بین ۲ کشور فراداست و فرودست، به دلیل امکان تأمین خواسته‌های تصمیمی کشور بالاترستی در کشور دیگر، نیاز به مذاکره احساس نمی‌شود. در مذاکرت، وزارت دولت‌ها به وسیله مولفه‌هایی مشخص است. در میز مذاکره مستطیلی، با وجود جایگاه‌های ارزشی متفاوت در طول و عرض مستطیل، صد‌نشین با درجه اعتبار بالاتری نسبت به بقیه قرار می‌گیرد، حال آنکه نبود صدر و ذیل در میز بیضی شکل یا دایره‌ای، از قدرت نزدیک به هم طرفین در هرم قدرت حکایت می‌کند و قدرت چانه‌زنی طرفین در مذاکرات را ارتقا می‌دهد. مذاکرات هسته‌ای ایران با ۵+۱ نشان داد کشور توانسته بود پهرغم فشارهای اقتصادی، با گذر از تونل‌های پرپیچ و

خم تحریم‌ها، به مرحله‌ای برسد و ۵ کشور قدرتمند دنیا (در راس آنها آمریکا) را در جایگاه بین المللی سازمان ملل (شورای امنیت) به اضافه آلمان مجبور به پوست‌اندازی کند و آنها را با خروج از جایگاه قانونی و با برچسب تصنعی ۵+۱، پای مذاکره بکشاند. وزانت مذاکره کنندگان در مذاکره با ایران دور یک میز دایره‌ای، به نوعی گویای اعتراف ضمنی آنان به قدرت برتر ایران بود. به پیشنهاد انسان، دولت یازدهم ایران (دولت تدبیر و امید) به مذاکرات دعوت شد و تمام تدابیر خود را روی میز دایره‌ای گذاشت و به امید متعهد بودن کشورهای مقابل به اجرای تعهدات توافقی، خود را موظف به انجام تعهداتی به مراتب سنگین‌تر از تعهدات طرف مقابل کرد. مذاکرات بعد فرد و فرازهای بسیار و وعده و وعیده‌ای بی‌شمار، روزهای تلخ و شیرین زیادی دید. گاهی آفتاب تابانش خواندند و گاه خود بر بز یک بیش از اندازه‌اش اعتراف کردند. روزی فتح‌الفتوحش گفتند و روز دیگر اخبار تلخی از وجود جاسوس در تیم مذاکره برملا شد و زمانی دیگر در تاریخ آن را بی‌تغییر دانستند. اثر بزرگ‌ترین دستاورد قرن را رفیع تمام تحریم‌ها مزده دادند اما اندکی بعد، لاجرم دست به دستاوردسازی فرعی (خرید هواپیما و واردات سنگ‌های موادیاب و ...) زدند. در این شرایط ملت متحیر مانده بود دستاورد برجام را از زبان رئیس بانک مرکزی ایران «تقریباً هیچ» قبول کند یا بر قول رئیس دولت، مبنی بر دستاوردهای دنباله‌دارش تا روز قیامت دل خوش کند؟ نمی‌دانست برجام را آغاز پایان تحریم‌ها بداند و به تیرتراهی دولت‌مردان (فروپاشی سازمان تحریم‌ها، اینک بدون تحریم، ترک برداشتن دیوار تحریم‌ها یا ...) ایمان بیابورد یا در جان باختن غربیانه هموطنان دریادل در کشتی ایران با پرچم پاناما، در صداقت نسبت به برداشتن تحریم‌ها

تأملات



آفت تجمل‌گرایی و تفاخر در مراسم تدفین و ترحیم مردگان

مردن با احترامات فائقه!

- وحیداصغری‌بنجیگه***

از جمله سفارشاتی است که هزینه‌ای معادل رهن یک آپارتمان برایش پرداخته شده و باعث رواج تجمل‌گرایی و انواع آسیب‌ها در جامعه می‌شود که خود عزایی دیگر است!ا جالب است که در قیمت خرید خانه آخرت هم مسائلی مانند آب و هوا، وجود درخت، فضای سبز و سایه در اطراف قبر، دوری یا نزدیکی به خروجی قبرستان، قرار داشتن در مکان‌های زیارتی و… تاثیرگذار است. یعنی انگار همان حس لاکچری پنت‌هاوس‌نشینی برخی در روی زمین، به زیر خاک هم سرایت کرده و حتی زیر خروارها خاک هم حال و هوای پنت‌هاوس‌نشینی ول‌شان نمی‌کند. حالا دیگر یک جوهرهایی می‌شود فهمید کدام مرده‌ها هم لاکچری‌تر زندگی کرده‌اند و هم لاکچری‌تر دفن شده‌اند! وقتی ازدواج و اشتغال، مشکل عمده جوانان سراسر کشور است، با ۲۵ میلیون تومان سنگ قبر یک میت یا با پول‌های عجیب و غریب خرید قبرهای چند صد میلیونی، چند زوج می‌توانند یک سقف استیجاری برای زندگی مشترک خود تهیه کنند؟ چند جوان می‌توانند کاری برای خود دست و پا کنند؟ یا چند کلاس درس را می‌توان تجهیز کرد؟ البته این چشم و هم‌چشمی منحصr به شهرهای بزرگی مثل تهران نمی‌شود. این بالای خانمان سوز به همه جا سر می‌کشد. این آداب و رسوم که در بسیاری از موارد هیچ‌گونه سنتیتی با اعتقادات و باورهای مردم ندارد، رفته‌رفته تبدیل به بخشی از فرهنگ شده و هزینه‌هایی را نیز به جامعه تحمیل می‌کند. در حالی که هم‌اکنون فاجعه بزرگی بسیاری از شهرهای کشور را تهدید می‌کند و آن اینکه شیخستان‌ها از توان و تمک مالی برخوردار نبوده و به

پنجشنبه ۲۶ بهمن ۱۳۹۶

سختی قادر به تأمین تمام مخارج خود و فرزندان هستند و اگر چنین رقابت ناسالمی نیز ایجاد شود و امکاناتی که باید به مصرف زندگی زندگان برسد برای بزرگداشت اموات هزینه شود، باید در آینده انتظار بجران‌های جبران‌نشدنی در جامعه را داشته باشیم. واقعیت آن است که افراط، زیاده‌روی و بی‌توجه بودن به همنوع خود از مسائلی است که تبدیل به یکی از بایدها و نبایدهای جامعه ایرانی شده که علاوه بر فرهنگ اجتماعی جیب آنها را نیز نشانه رفته و سبب سوق دادن افراد به سمت تجمل‌گرایی شده است، لذا برای جلوگیری از اسراف و تجمل‌گرایی در مراسم ترحیم باید فرهنگ‌سازی کرد که با هزینه کم هم می‌توان به بازماندگان و متوفا احترام گذاشت و برای خود آبرو خرید. برگزاری مراسم‌ها از جمله مراسم عروسی، مراسم سوگواری و… برای مردم مانند یک مسابقه شده است و این مسایل که مجلس در چه مکانی برگزار شده، چقدر برای برگزاری آن هزینه شده و… نوعی تفاخر در فرد ایجاد می‌کند که کلاما نکوهیده بوده و خارج از فلسفه اصلی سوگواری است. متأسفانه مردم در جامعه امروز، از بودن تبدیل به داشتن شده‌اند. به جای اینکه به بودن و آسایش خود توجه کنند به اینکه چه چیزی دارند توجه می‌کنند. اینکه چه عزاداری‌ای گرفتیم، در کدام محله، در کدام مسجد و با چه هزینه‌ای، همه انصراف از فلسفه درست برگزاری مراسم سوگواری است. هزینه‌هایی که می‌تواند در جهات بهتر و بالاتری سرمایه‌گذاری شود و نتایج و ثمرات مفیدتری برای جامعه باقی بگذارد، باید توجه داشت که شرکت ما در مراسم ختم، باید دست‌کم ۳ نتیجه مثبت به دنبال داشته باشد که یکی از آنها رسان دادن به مصیبت‌دیدگان و دیگری عبرت گرفتن از دنیسای بی‌وفا و مراقبت برای فریب نخوردن از تجملات و زرق و برق ناپایدار و چند روزه دنیا و سوم هم تعالی روح متوفا است و هر چه دسر این راستا نباشد، نمی‌تواند رفتاری مثبت به شمار آید اما آنقدر درگیر مباحث حاشیه‌ای شده‌ایم که فلسفه برگزاری مراسم، فراموش‌مان شده و از اینگونه مراسم‌ها به عنوان ابزاری برای نمایش ثروت و مکتت خود استفاده می‌کنیم. برگزاری مجالس ترحیم سنگین و تحمیل هزینه‌های بی‌مورد به بازماندگان از نظر اخلاقی،

عرف و شرایط اجتماعی و اقتصادی جامعه توجیه نداشته و در شرایطی که کمترین این امور، هزینه‌های زیادی را در پی دارد، باید مجالس بر اساس عرف معمول جامعه برگزار شود و چشم و هم‌چشمی‌ها و تجمل‌گرایی‌ها از مجالس عزاداری رخت ببرند، لذا برگزاری مجالس ترحیم تجملاتی، فرهنگ تهاجمی‌گراف پذیرایی و خرده‌فرهنگ‌های مخرب وارداتی، مسؤولیت کسانی را که توانایی تاثیرگذاری بر جامعه را دارند، دوچندان کرده و باید در تعهدی اخلاقی به تصحیح فرهنگ متصرف شده از مجرای صحیح همت کنند. از آنجا که میزان کتابخوانی در ایران بسیار کم است و مردم با افکار صحیح از طریق مطالعه آشنایی می‌شوند، ابتدا باید کتابخوانی را توسعه دهیم اما تا هنگامی که فرهنگ کتابخوانی توسعه پیدا کند می‌توان فرهنگ صحیح در این مورد و صدارش‌های کنونی را در رسانه‌های جمعی و هر جایی که توده‌های مردم مخاطب هستند، مطرح کنیم و کارهای ارزشمند را به مردم ابلاغ کنیم. از طرف دیگر ترس از قضاوت، ریشه در یک باور غلط دارد و آن اینکه اکثر افراد همواره نیاز دارند دیگران تاییدشان کنند و بگویند کم هزینه کردند، اینکه کار صحیح انجام می‌شود یا نه، در چه دوم ماهی پیدا کند می‌گیرد، در صورتی که باید طرز تفکر‌ها طوری باشد که اگر کاری انجام می‌دهیم، صحیح باشد، هر چند از دید دیگران نادرست باشد، مسا باید کار صحیح را بدون اهمیت به تفکر دیگران انجام بھیم. خیلی از متفکران و پیشتازان در زمان خودشان توسط مردم تأیید نمی‌شدند ولی آنها باز هم کار صحیح را انجام می‌دادند.

✱ **کارشناس ارشد جامعه‌شناسی**

فوتبال کثیف است و زیبا، مثل لوتیز سوارز!

اما با این‌حال در جام‌جهانی بعدی چیزی شگفت‌آور در میان خواهد بود، چیزی زیبا و غیرمنتظره و احتمالا آلمان (باز هم) فاتح جام خواهد شد. کریچلی در سراسر «وقتی به فوتبال می‌اندیشیم به چه می‌اندیشیم» به احساس «عشق و نفرتی» می‌پردازد که او و بسیاری از طرفداران به فوتبال دارند. فوتبال اساساً بازی کثیفی است. بازیکنان درجه‌یک فوتبال بازیگرانی مودی‌اند. کریچلی می‌گوید: «واقعاً لذت‌بخش است تماشای پیچاندن قواعد و بردن قوانین تا سر حد را هم بشایند». از او پرسیدند کدام‌یک از بازیکنان فعلی بیش از همه تجسم این عشق و نفرت است؟ کریچلی بی‌درنگ پاسخ داد: «بی شک لوتیز سوارز». «چه بسا سوارز بهترین بازیکنی بود که لیورپول طی ۱۵ سال اخیر در اختیار داشت. اکنون فصل خوبی را در بارسلونا سپری می‌کند و باز هم می‌درخشد. او در اروگوئه گذشته سخت و دشواری داشته، از لحاظ مهارت و استعداد تکنیکی در زمره بهترین‌ها نیست، متقلب است (هندبال‌بازی‌اش در جام‌جهانی ۲۰۱۰ در بازی مقابل غنا و تمارض‌های متعددش) و گذشته از همه اینها گاز می‌گیرد (به‌خصوص در آخرین جام جهانی) اما بازیکنی است که عزم تیم‌کاری برای پیروزی دارد و دارای چنان اراده‌ای است که حتی می‌تواند تصمیم بگیرد روند یک بازی را تغییر دهد. بدین ترتیب در او عشق و نفرت به یک اندازه تجلی کرده است، البته شاید عشق بیشتر باشد». اینها حرف‌های دانشوری است که از قضا از



طرفداران پروپاقرص فوتبال نیز هستند. درباره فلسفه فیلد بازی ورزش چپسدا خیلی زود کسل‌کننده شود اما کریچلی شیفته ایده‌هایش نیست، بلکه شیفته ایده فوتبال است. فوتبال، بازی‌ای روشمند است که هیچ‌گاه ملال‌آور نمی‌شود، بلکه همیشه نفسگیر است؛ اوج بازی هر لحظه ممکن است فراپرسد. طرفداران فوتبال «فاصله‌ای فکوره‌انه را با بازی حفظ می‌کنند». آنها هم هیپوتیزم شده‌اند و هم هوشیار، دندورزشگاهی غرق در غرش، درخشش بازیگرانی همچون رونالدو و سوارز، بازی‌ای مهیج در برابر زمان کرانمند؛ بدین شکل کریچلی به ایده فوتبال به‌مثابه تئاتر بازمی‌گردد. تصویرپردازی تفریحی او از «رین‌الدین زیدان»، ارجاعات بی‌دریی به هایدگر و «ژان پل سارتر» و ملاحظات روشمندانه‌اش درباره بازی کردن، خواننده را به حیرت وامی‌دارد. آیا خود بازیکنان به این احساسات شاعرانه موجود در بازی واقفند؟ کریچلی می‌گوید «نه؛ به‌هیچ‌جه؛ شاید بعضی مربیان وجه فلسفی بازی را ببینند؛ این یکی از کلیشه‌هایی است که درباره «پپ گوآردیولا» می‌گویند» که فعلا سرمربی منچسترسیتی است. کریچلی می‌گوید: «کاری که می‌خواسته در این کتاب انجام دهد، بی‌فکندن نوعی بوطیقای فوتبال بوده است که مجال دهد وجه جدیدی از زیبایی فوتبال را بهتر دریابیم اما برای لذت‌بردن از فوتبال هیچ نیازی به دانستن اینها نیست. می‌کوشم نشان دهم در تجربه فوتبال نوعی وجد احساسی در کار است که در مرز آگاهی شناور است. کار من این است که بکوشم به آن وضوح بخشم». ارمان کریچلی در کتابش توانایی دریافت لحظات شاعرانه‌ای است که گاهی از لبان سرمست هوادارانی ابراز می‌شود که با فراز جایگاه‌ها فریاد می‌کنند و گاهی این احساسات شاعرانه موجود در بازی واقفند؟ کریچلی می‌گوید «نه؛ به‌هیچ‌جه؛ شاید بعضی مربیان وجه فلسفی بازی را ببینند؛ این یکی از کلیشه‌هایی است که درباره «پپ گوآردیولا» می‌گویند» که فعلا سرمربی منچسترسیتی است. کریچلی می‌گوید: «کاری که می‌خواسته در این کتاب انجام دهد، بی‌فکندن نوعی بوطیقای فوتبال بوده است که مجال دهد وجه جدیدی از زیبایی فوتبال را بهتر دریابیم اما برای لذت‌بردن از فوتبال هیچ نیازی به دانستن اینها نیست. می‌کوشم نشان دهم در تجربه فوتبال نوعی وجد احساسی در کار است که در مرز آگاهی شناور است. کار من این است که بکوشم به آن وضوح بخشم». ارمان کریچلی در کتابش توانایی دریافت لحظات شاعرانه‌ای است که گاهی از لبان سرمست هوادارانی ابراز می‌شود که با فراز جایگاه‌ها فریاد می‌کنند و گاهی این احساسات شاعرانه موجود در بازی واقفند؟ کریچلی می‌گوید «نه؛ به‌هیچ‌جه؛ شاید بعضی مربیان وجه فلسفی بازی را ببینند؛ این یکی از کلیشه‌هایی است که درباره «پپ گوآردیولا» می‌گویند» که فعلا سرمربی منچسترسیتی است. کریچلی می‌گوید: «کاری که می‌خواسته در این کتاب انجام دهد، بی‌فکندن نوعی بوطیقای فوتبال بوده است که مجال دهد وجه جدیدی از زیبایی فوتبال را بهتر دریابیم اما برای لذت‌بردن از فوتبال هیچ نیازی به دانستن اینها نیست. می‌کوشم نشان دهم در تجربه فوتبال نوعی وجد احساسی در کار است که در مرز آگاهی شناور است. کار من این است که بکوشم به آن وضوح بخشم». ارمان کریچلی در کتابش توانایی دریافت لحظات شاعرانه‌ای است که گاهی از لبان سرمست هوادارانی ابراز می‌شود که با فراز جایگاه‌ها فریاد می‌کنند و گاهی این احساسات شاعرانه موجود در بازی واقفند؟ کریچلی می‌گوید «نه؛ به‌هیچ‌جه؛ شاید بعضی مربیان وجه فلسفی بازی را ببینند؛ این یکی از کلیشه‌هایی است که درباره «پپ گوآردیولا» می‌گویند» که فعلا سرمربی منچسترسیتی است. کریچلی می‌گوید: «کاری که می‌خواسته در این کتاب انجام دهد، بی‌فکندن نوعی بوطیقای فوتبال بوده است که مجال دهد وجه جدیدی از زیبایی فوتبال را بهتر دریابیم اما برای لذت‌بردن از فوتبال هیچ نیازی به دانستن اینها نیست. می‌کوشم نشان دهم در تجربه فوتبال نوعی وجد احساسی در کار است که در مرز آگاهی شناور است. کار من این است که بکوشم به آن وضوح بخشم». ارمان کریچلی در کتابش توانایی دریافت لحظات شاعرانه‌ای است که گاهی از لبان سرمست هوادارانی ابراز می‌شود که با فراز جایگاه‌ها فریاد می‌کنند و گاهی این احساسات شاعرانه موجود در بازی واقفند؟ کریچلی می‌گوید «نه؛ به‌هیچ‌جه؛ شاید بعضی مربیان وجه فلسفی بازی را ببینند؛ این یکی از کلیشه‌هایی است که درباره «پپ گوآردیولا» می‌گویند» که فعلا سرمربی منچسترسیتی است. کریچلی می‌گوید: «کاری که می‌خواسته در این کتاب انجام دهد، بی‌فکندن نوعی بوطیقای فوتبال بوده است که مجال دهد وجه جدیدی از زیبایی فوتبال را بهتر دریابیم اما برای لذت‌بردن از فوتبال هیچ نیازی به دانستن اینها نیست. می‌کوشم نشان دهم در تجربه فوتبال نوعی وجد احساسی در کار است که در مرز آگاهی شناور است. کار من این است که بکوشم به آن وضوح بخشم». ارمان کریچلی در کتابش توانایی دریافت لحظات شاعرانه‌ای است که گاهی از لبان سرمست هوادارانی ابراز می‌شود که با فراز جایگاه‌ها فریاد می‌کنند و گاهی این احساسات شاعرانه موجود در بازی واقفند؟ کریچلی می‌گوید «نه؛ به‌هیچ‌جه؛ شاید بعضی مربیان وجه فلسفی بازی را ببینند؛ این یکی از کلیشه‌هایی است که درباره «پپ گوآردیولا» می‌گویند» که فعلا سرمربی منچسترسیتی است. کریچلی می‌گوید: «کاری که می‌خواسته در این کتاب انجام دهد، بی‌فکندن نوعی بوطیقای فوتبال بوده است که مجال دهد وجه جدیدی از زیبایی فوتبال را بهتر دریابیم اما برای لذت‌بردن از فوتبال هیچ نیازی به دانستن اینها نیست. می‌کوشم نشان دهم در تجربه فوتبال نوعی وجد احساسی در کار است که در مرز آگاهی شناور است. کار من این است که بکوشم به آن وضوح بخشم». ارمان کریچلی در کتابش توانایی دریافت لحظات شاعرانه‌ای است که گاهی از لبان سرمست هوادارانی ابراز می‌شود که با فراز جایگاه‌ها فریاد می‌کنند و گاهی این احساسات شاعرانه موجود در بازی واقفند؟ کریچلی می‌گوید «نه؛ به‌هیچ‌جه؛ شاید بعضی مربیان وجه فلسفی بازی را ببینند؛ این یکی از کلیشه‌هایی است که درباره «پپ گوآردیولا» می‌گویند» که فعلا سرمربی منچسترسیتی است. کریچلی می‌گوید: «کاری که می‌خواسته در این کتاب انجام دهد، بی‌فکندن نوعی بوطیقای فوتبال بوده است که مجال دهد وجه جدیدی از زیبایی فوتبال را بهتر دریابیم اما برای لذت‌بردن از فوتبال هیچ نیازی به دانستن اینها نیست. می‌کوشم نشان دهم در تجربه فوتبال نوعی وجد احساسی در کار است که در مرز آگاهی شناور است. کار من این است که بکوشم به آن وضوح بخشم». ارمان کریچلی در کتابش توانایی دریافت لحظات شاعرانه‌ای است که گاهی از لبان سرمست هوادارانی ابراز می‌شود که با فراز جایگاه‌ها فریاد می‌کنند و گاهی این احساسات شاعرانه موجود در بازی واقفند؟ کریچلی می‌گوید «نه؛ به‌هیچ‌جه؛ شاید بعضی مربیان وجه فلسفی بازی را ببینند؛ این یکی از کلیشه‌هایی است که درباره «پپ گوآردیولا» می‌گویند» که فعلا سرمربی منچسترسیتی است. کریچلی می‌گوید: «کاری که می‌خواسته در این کتاب انجام دهد، بی‌فکندن نوعی بوطیقای فوتبال بوده است که مجال دهد وجه جدیدی از زیبایی فوتبال را بهتر دریابیم اما برای لذت‌بردن از فوتبال هیچ نیازی به دانستن اینها نیست. می‌کوشم نشان دهم در تجربه فوتبال نوعی وجد احساسی در کار است که در مرز آگاهی شناور است. کار من این است که بکوشم به آن وضوح بخشم». ارمان کریچلی در کتابش توانایی دریافت لحظات شاعرانه‌ای است که گاهی از لبان سرمست هوادارانی ابراز می‌شود که با فراز جایگاه‌ها فریاد می‌کنند و گاهی این احساسات شاعرانه موجود در بازی واقفند؟ کریچلی می‌گوید «نه؛ به‌هیچ‌جه؛ شاید بعضی مربیان وجه فلسفی بازی را ببینند؛ این یکی از کلیشه‌هایی است که درباره «پپ گوآردیولا» می‌گویند» که فعلا سرمربی منچسترسیتی است. کریچلی می‌گوید: «کاری که می‌خواسته در این کتاب انجام دهد، بی‌فکندن نوعی بوطیقای فوتبال بوده است که مجال دهد وجه جدیدی از زیبایی فوتبال را بهتر دریابیم اما برای لذت‌بردن از فوتبال هیچ نیازی به دانستن اینها نیست. می‌کوشم نشان دهم در تجربه فوتبال نوعی وجد احساسی در کار است که در مرز آگاهی شناور است. کار من این است که بکوشم به آن وضوح بخشم». ارمان کریچلی در کتابش توانایی دریافت لحظات شاعرانه‌ای است که گاهی از لبان سرمست هوادارانی ابراز می‌شود که با فراز جایگاه‌ها فریاد می‌کنند و گاهی این احساسات شاعرانه موجود در بازی واقفند؟ کریچلی می‌گوید «نه؛ به‌هیچ‌جه؛ شاید بعضی مربیان وجه فلسفی بازی را ببینند؛ این یکی از کلیشه‌هایی است که درباره «پپ گوآردیولا» می‌گویند» که فعلا سرمربی منچسترسیتی است. کریچلی می‌گوید: «کاری که می‌خواسته در این کتاب انجام دهد، بی‌فکندن نوعی بوطیقای فوتبال بوده است که مجال دهد وجه جدیدی از زیبایی فوتبال را بهتر دریابیم اما برای لذت‌بردن از فوتبال هیچ نیازی به دانستن اینها نیست. می‌کوشم نشان دهم در تجربه فوتبال نوعی وجد احساسی در کار است که در مرز آگاهی شناور است. کار من این است که بکوشم به آن وضوح بخشم». ارمان کریچلی در کتابش توانایی دریافت لحظات شاعرانه‌ای است که گاهی از لبان سرمست هوادارانی ابراز می‌شود که با فراز جایگاه‌ها فریاد می‌کنند و گاهی این احساسات شاعرانه موجود در بازی واقفند؟ کریچلی می‌گوید «نه؛ به‌هیچ‌جه؛ شاید بعضی مربیان وجه فلسفی بازی را ببینند؛ این یکی از کلیشه‌هایی است که درباره «پپ گوآردیولا» می‌گویند» که فعلا سرمربی منچسترسیتی است. کریچلی می‌گوید: «کاری که می‌خواسته در این کتاب انجام دهد، بی‌فکندن نوعی بوطیقای فوتبال بوده است که مجال دهد وجه جدیدی از زیبایی فوتبال را بهتر دریابیم اما برای لذت‌بردن از فوتبال هیچ نیازی به دانستن اینها نیست. می‌کوشم نشان دهم در تجربه فوتبال نوعی وجد احساسی در کار است که در مرز آگاهی شناور است. کار من این است که بکوشم به آن وضوح بخشم». ارمان کریچلی در کتابش توانایی دریافت لحظات شاعرانه‌ای است که گاهی از لبان سرمست هوادارانی ابراز می‌شود که با فراز جایگاه‌ها فریاد می‌کنند و گاهی این احساسات شاعرانه موجود در بازی واقفند؟ کریچلی می‌گوید «نه؛ به‌هیچ‌جه؛ شاید بعضی مربیان وجه فلسفی بازی را ببینند؛ این یکی از کلیشه‌هایی است که درباره «پپ گوآردیولا» می‌گویند» که فعلا سرمربی منچسترسیتی است. کریچلی می‌گوید: «کاری که می‌خواسته در این کتاب انجام دهد، بی‌فکندن نوعی بوطیقای فوتبال بوده است که مجال دهد وجه جدیدی از زیبایی فوتبال را بهتر دریابیم اما برای لذت‌بردن از فوتبال هیچ نیازی به دانستن اینها نیست. می‌کوشم نشان دهم در تجربه فوتبال نوعی وجد احساسی در کار است که در مرز آگاهی شناور است. کار من این است که بکوشم به آن وضوح بخشم». ارمان کریچلی در کتابش توانایی دریافت لحظات شاعرانه‌ای است که گاهی از لبان سرمست هوادارانی ابراز می‌شود که با فراز جایگاه‌ها فریاد می‌کنند و گاهی این احساسات شاعرانه موجود در بازی واقفند؟ کریچلی می‌گوید «نه؛ به‌هیچ‌جه؛ شاید بعضی مربیان وجه فلسفی بازی را ببینند؛ این یکی از کلیشه‌هایی است که درباره «پپ گوآردیولا» می‌گویند» که فعلا سرمربی منچسترسیتی است. کریچلی می‌گوید: «کاری که می‌خواسته در این کتاب انجام دهد، بی‌فکندن نوعی بوطیقای فوتبال بوده است که مجال دهد وجه جدیدی از زیبایی فوتبال را بهتر دریابیم اما برای لذت‌بردن از فوتبال هیچ نیازی به دانستن اینها نیست. می‌کوشم نشان دهم در تجربه فوتبال نوعی وجد احساسی در کار است که در مرز آگاهی شناور است. کار من این است که بکوشم به آن وضوح بخشم». ارمان کریچلی در کتابش توانایی دریافت لحظات شاعرانه‌ای است که گاهی از لبان سرمست هوادارانی ابراز می‌شود که با فراز جایگاه‌ها فریاد می‌کنند و گاهی این احساسات شاعرانه موجود در بازی واقفند؟ کریچلی می‌گوید «نه؛ به‌هیچ‌جه؛ شاید بعضی مربیان وجه فلسفی بازی را ببینند؛ این یکی از کلیشه‌هایی است که درباره «پپ گوآردیولا» می‌گویند» که فعلا سرمربی منچسترسیتی است. کریچلی می‌گوید: «کاری که می‌خواسته در این کتاب انجام دهد، بی‌فکندن نوعی بوطیقای فوتبال بوده است که مجال دهد وجه جدیدی از زیبایی فوتبال را بهتر دریابیم اما برای لذت‌بردن از فوتبال هیچ نیازی به دانستن اینها نیست. می‌کوشم نشان دهم در تجربه فوتبال نوعی وجد احساسی در کار است که در مرز آگاهی شناور است. کار من این است که بکوشم به آن وضوح بخشم». ارمان کریچلی در کتابش توانایی دریافت لحظات شاعرانه‌ای است که گاهی از لبان سرمست هوادارانی ابراز می‌شود که با فراز جایگاه‌ها فریاد می‌کنند و گاهی این احساسات شاعرانه موجود در بازی واقفند؟ کریچلی می‌گوید «نه؛ به‌هیچ‌جه؛ شاید بعضی مربیان وجه فلسفی بازی را ببینند؛ این یکی از کلیشه‌هایی است که درباره «پپ گوآردیولا» می‌گویند» که فعلا سرمربی منچسترسیتی است. کریچلی می‌گوید: «کاری که می‌خواسته در این کتاب انجام دهد، بی‌فکندن نوعی بوطیقای فوتبال بوده است که مجال دهد وجه جدیدی از زیبایی فوتبال را بهتر دریابیم اما برای لذت‌بردن از فوتبال هیچ نیازی به دانستن اینها نیست. می‌کوشم نشان دهم در تجربه فوتبال نوعی وجد احساسی در کار است که در مرز آگاهی شناور است. کار من این است که بکوشم به آن وضوح بخشم». ارمان کریچلی در کتابش توانایی دریافت لحظات شاعرانه‌ای است که گاهی از لبان سرمست هوادارانی ابراز می‌شود که با فراز جایگاه‌ها فریاد می‌کنند و گاهی این احساسات شاعرانه موجود در بازی واقفند؟ کریچلی می‌گوید «نه؛ به‌هیچ‌جه؛ شاید بعضی مربیان وجه فلسفی بازی را ببینند؛ این یکی از کلیشه‌هایی است که درباره «پپ گوآردیولا» می‌گویند» که فعلا سرمربی منچسترسیتی است. کریچلی می‌گوید: «کاری که می‌خواسته در این کتاب انجام دهد، بی‌فکندن نوعی بوطیقای فوتبال بوده است که مجال دهد وجه جدیدی از زیبایی فوتبال را بهتر دریابیم اما برای لذت‌بردن از فوتبال هیچ نیازی به دانستن اینها نیست. می‌کوشم نشان دهم در تجربه فوتبال نوعی وجد احساسی در کار است که در مرز آگاهی شناور است. کار من این است که بکوشم به آن وضوح بخشم». ارمان کریچلی در کتابش توانایی دریافت لحظات شاعرانه‌ای است که گاهی از لبان سرمست هوادارانی ابراز می‌شود که با فراز جایگاه‌ها فریاد می‌کنند و گاهی این احساسات شاعرانه موجود در بازی واقفند؟ کریچلی می‌گوید «نه؛ به‌هیچ‌جه؛ شاید بعضی مربیان وجه فلسفی بازی را ببینند؛ این یکی از کلیشه‌هایی است که درباره «پپ گوآردیولا» می‌گویند» که فعلا سرمربی منچسترسیتی است. کریچلی می‌گوید: «کاری که می‌خواسته در این کتاب انجام دهد، بی‌فکندن نوعی بوطیقای فوتبال بوده است که مجال دهد وجه جدیدی از زیبایی فوتبال را بهتر دریابیم اما برای لذت‌بردن از فوتبال هیچ نیازی به دانستن اینها نیست. می‌کوشم نشان دهم در تجربه فوتبال نوعی وجد احساسی در کار است که در مرز آگاهی شناور است. کار من این است که بکوشم به آن وضوح بخشم». ارمان کریچلی در کتابش توانایی دریافت لحظات شاعرانه‌ای است که گاهی از لبان سرمست هوادارانی ابراز می‌شود که با فراز جایگاه‌ها فریاد می‌کنند و گاهی این احساسات شاعرانه موجود در بازی واقفند؟ کریچلی می‌گوید «نه؛ به‌هیچ‌جه؛ شاید بعضی مربیان وجه فلسفی بازی را ببینند؛ این یکی از کلیشه‌هایی است که درباره «پپ گوآردیولا» می‌گویند» که فعلا سرمربی منچسترسیتی است. کریچلی می‌گوید: «کاری که می‌خواسته در این کتاب انجام دهد، بی‌فکندن نوعی بوطیقای فوتبال بوده است که مجال دهد وجه جدیدی از زیبایی فوتبال را بهتر دریابیم اما برای لذت‌بردن از فوتبال هیچ نیازی به دانستن اینها نیست. می‌کوشم نشان دهم در تجربه فوتبال نوعی وجد احساسی در کار است که در مرز آگاهی شناور است. کار من این است که بکوشم به آن وضوح بخشم». ارمان کریچلی در کتابش توانایی دریافت لحظات شاعرانه‌ای است که گاهی از لبان سرمست هوادارانی ابراز می‌شود که با فراز جایگاه‌ها فریاد می‌کنند و گاهی این احساسات شاعرانه موجود در بازی واقفند؟ کریچلی می‌گوید «نه؛ به‌هیچ‌جه؛ شاید بعضی مربیان وجه فلسفی بازی را ببینند؛ این یکی از کلیشه‌هایی است که درباره «پپ گوآردیولا» می‌گویند» که فعلا سرمربی منچسترسیتی است. کریچلی می‌گوید: «کاری که می‌خواسته در این کتاب انجام دهد، بی‌فکندن نوعی بوطیقای فوتبال بوده است که مجال دهد وجه جدیدی از زیبایی فوتبال را بهتر دریابیم اما برای لذت‌بردن از فوتبال هیچ نیازی به دانستن اینها نیست. می‌کوشم نشان دهم در تجربه فوتبال نوعی وجد احساسی در کار است که در مرز آگاهی شناور است. کار من این است که بکوشم به آن وضوح بخشم». ارمان کریچلی در کتابش توانایی دریافت لحظات شاعرانه‌ای است که گاهی از لبان سرمست هوادارانی ابراز می‌شود که با فراز جایگاه‌ها فریاد می‌کنند و گاهی این احساسات شاعرانه موجود در بازی واقفند؟ کریچلی می‌گوید «نه؛ به‌هیچ‌جه؛ شاید بعضی مربیان وجه فلسفی بازی را ببینند؛ این یکی از کلیشه‌هایی است که درباره «پپ گوآردیولا» می‌گویند» که فعلا سرمربی منچسترسیتی است. کریچلی می‌گوید: «کاری که می‌خواسته در این کتاب انجام دهد، بی‌فکندن نوعی بوطیقای فوتبال بوده است که مجال دهد وجه جدیدی از زیبایی فوتبال را بهتر دریابیم اما برای لذت‌بردن از فوتبال هیچ نیازی به دانستن اینها نیست. می‌کوشم نشان دهم در تجربه فوتبال نوعی وجد احساسی در کار است که در مرز آگاهی شناور است. کار من این است که بکوشم به آن وضوح بخشم». ارمان کریچلی در کتابش توانایی دریافت لحظات شاعرانه‌ای است که گاهی از لبان سرمست هوادارانی ابراز می‌شود که با فراز جایگاه‌ها فریاد می‌کنند و گاهی این احساسات شاعرانه موجود در بازی واقفند؟ کریچلی می‌گوید «نه؛ به‌هیچ‌جه؛ شاید بعضی مربیان وجه فلسفی بازی را ببینند؛ این یکی از کلیشه‌هایی است که درباره «پپ گوآردیولا» می‌گویند» که فعلا سرمربی منچسترسیتی است. کریچلی می‌گوید: «کاری که می‌خواسته در این کتاب انجام دهد، بی‌فکندن نوعی بوطیقای فوتبال بوده است که مجال دهد وجه جدیدی از زیبایی فوتبال را بهتر دریابیم اما برای لذت‌بردن از فوتبال هیچ نیازی به دانستن اینها نیست. می‌کوشم نشان دهم در تجربه فوتبال نوعی وجد احساسی در کار است که در مرز آگاهی شناور است. کار من این است که بکوشم به آن وضوح بخشم». ارمان کریچلی در کتابش توانایی دریافت لحظات شاعرانه‌ای است که گاهی از لبان سرمست هوادارانی ابراز می‌شود که با فراز جایگاه‌ها فریاد می‌کنند و گاهی این احساسات شاعرانه موجود در بازی واقفند؟ کریچلی می‌گوید «نه؛ به‌هیچ‌جه؛ شاید بعضی مربیان وجه فلسفی بازی را ببینند؛ این یکی از کلیشه‌هایی است که درباره «پپ گوآردیولا» می‌گویند» که فعلا سرمربی منچسترسیتی است. کریچلی می‌گوید: «کاری که می‌خواسته در این کتاب انجام دهد، بی‌فکندن نوعی بوطیقای فوتبال بوده است که مجال دهد وجه جدیدی از زیبایی فوتبال را بهتر دریابیم اما برای لذت‌بردن از فوتبال هیچ نیازی به دانستن اینها نیست. می‌کوشم نشان دهم در تجربه فوتبال نوعی وجد احساسی در کار است که در مرز آگاهی شناور است. کار من این است که بکوشم به آن وضوح بخشم». ارمان کریچلی در کتابش توانایی دریافت لحظات شاعرانه‌ای است که گاهی از لبان سرمست هوادارانی ابراز می‌شود که با فراز جایگاه‌ها فریاد می‌کنند و گاهی این احساسات شاعرانه موجود در بازی واقفند؟ کریچلی می‌گوید «نه؛ به‌هیچ‌جه؛ شاید بعضی مربیان وجه فلسفی بازی را ببینند؛ این یکی از کلیشه‌هایی است که درباره «پپ گوآردیولا» می‌گویند» که فعلا سرمربی منچسترسیتی است. کریچلی می‌گوید: «کاری که می‌خواسته در این کتاب انجام دهد، بی‌فکندن نوعی بوطیقای فوتبال بوده است که مجال دهد وجه جدیدی از زیبایی فوتبال را بهتر دریابیم اما برای لذت‌بردن از فوتبال هیچ نیازی به دانستن اینها نیست. می‌کوشم نشان دهم در تجربه فوتبال نوعی وجد احساسی در کار است که در مرز آگاهی شناور است. کار من این است که بکوشم به آن وضوح بخشم». ارمان کریچلی در کتابش توانایی دریافت لحظات شاعرانه‌ای است که گاهی از لبان سرمست هوادارانی ابراز می‌شود که با فراز جایگاه‌ها فریاد می‌کنند و گاهی این احساسات شاعرانه موجود در بازی واقفند؟ کریچلی می‌گوید «نه؛ به‌هیچ‌جه؛ شاید بعضی مربیان وجه فلسفی بازی را ببینند؛ این یکی از کلیشه‌هایی است که درباره «پپ گوآردیولا» می‌گویند» که فعلا سرمربی منچسترسیتی است. کریچلی می‌گوید: «کاری که می‌خواسته در این کتاب انجام دهد، بی‌فکندن نوعی بوطیقای فوتبال بوده است که مجال دهد وجه جدیدی از زیبایی فوتبال را بهتر دریابیم اما برای لذت‌بردن از فوتبال هیچ نیازی به دانستن اینها نیست. می‌کوشم نشان دهم در تجربه فوتبال نوعی وجد احساسی در کار است که در مرز آگاهی شناور است. کار من این است که بکوشم به آن وضوح بخشم». ارمان کریچلی در کتابش توانایی دریافت لحظات شاعرانه‌ای است که گاهی از لبان سرمست هوادارانی ابراز می‌شود که با فراز جایگاه‌ها فریاد می‌کنند و گاهی این احساسات شاعرانه موجود در بازی واقفند؟ کریچلی می‌گوید «نه؛ به‌هیچ‌جه؛ شاید بعضی مربیان وجه فلسفی بازی را ببینند؛ این یکی از کلیشه‌هایی است که درباره «پپ گوآردیولا» می‌گویند» که فعلا سرمربی منچسترسیتی است. کریچلی می‌گوید: «کاری که می‌خواسته در این کتاب انجام دهد، بی‌فکندن نوعی بوطیقای فوتبال بوده است که مجال دهد وجه جدیدی از زیبایی فوتبال را بهتر دریابیم اما برای لذت‌بردن از فوتبال هیچ نیازی به دانستن اینها نیست. می‌کوشم نشان دهم در تجربه فوتبال نوعی وجد احساسی در کار است که در مرز آگاهی شناور است. کار من این است که بکوشم به آن وضوح بخشم». ارمان کریچلی در کتابش توانایی دریافت لحظات شاعرانه‌ای است که گاهی از لبان سرمست هوادارانی ابراز می‌شود که با فراز جایگاه‌ها فریاد می‌کنند و گاهی این احساسات شاعرانه موجود در بازی واقفند؟ کریچلی می‌گوید «نه؛ به‌هیچ‌جه؛ شاید بعضی مربیان وجه فلسفی بازی را ببینند؛ این یکی از کلیشه‌هایی است که درباره «پپ گوآردیولا» می‌گویند» که فعلا سرمربی منچسترسیتی است. کریچلی می‌گوید: «کاری که می‌خواسته در این کتاب انجام دهد، بی‌فکندن نوعی بوطیقای فوتبال بوده است که مجال دهد وجه جدیدی از زیبایی فوتبال را بهتر دریابیم اما برای لذت‌بردن از فوتبال هیچ نیازی به دانستن اینها نیست. می‌کوشم نشان دهم در تجربه فوتبال نوعی وجد احساسی در کار است که در مرز آگاهی شناور است. کار من این است که بکوشم به آن وضوح بخشم». ارمان کریچلی در کتابش توانایی دریافت لحظات شاعرانه‌ای است که گاهی از لبان سرمست هوادارانی ابراز می‌شود که با فراز جایگاه‌ها فریاد می‌کنند و گاهی این احساسات شاعرانه موجود در بازی واقفند؟ کریچلی می‌گوید «نه؛ به‌هیچ‌جه؛ شاید بعضی مربیان وجه فلسفی بازی را ببینند؛ این یکی از کلیشه‌هایی است که درباره «پپ گوآردیولا» می‌گویند» که فعلا سرمربی منچسترسیتی است. کریچلی می‌گوید: «کاری که می‌خواسته در این کتاب انجام دهد، بی‌فکندن نوعی بوطیقای فوتبال بوده است که مجال دهد وجه جدیدی از زیبایی